

## بررسی حقوق مالی و اقتصادی زن در پرتو تحولات اجتماعی: رویکردی نوین به نظام استقلال و اشتراک اموال در بستر خانواده ایرانی

فاطمه زین‌الدینی<sup>\*</sup>، فاطمه قره چمنی<sup>\*\*</sup>

### چکیده

نظام مالی زوجین و نحوه مدیریت و پرداختن به آن یکی از مسائل مطرح در حوزه‌ی خانواده است که قبول یا رد نوع سیستم حاکم بر این موضوع در نتیجه و عملکرد آن تأثیر به‌سزایی دارد و در صورت انتخاب نادرست یا اجرای ناکارآمد، اثرات بسیار مخربی را برای جامعه و خانواده به همراه خواهد داشت. از جمله نظام‌های موجود برای مباحث مالی زوجین در سراسر دنیا، نظام استقلال و اشتراک اموال است. ایران به عنوان کشوری که قوانین حوزه حقوق خانواده‌اش منبعت از فقه و شریعت است رویکرد ویژه‌ای در این زمینه دارد. انتخاب نظام استقلال با مسئولیت و تعهد کامل مالی مرد و عدم مسئولیت مالی برای زن ویژگی خاص نظام مالی خانواده در قوانین ایران است. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، ابتدا به مطالعه مصادیق فقهی و قانونی موجود برای مفاهیم نفقه، مهریه، جهیزیه، اجرت‌المثل، اجرت‌الرضاع، نحل و درآمد ناشی از کار مستقل زنان به عنوان مهم‌ترین حقوق و وظایف مالی در بستر خانواده پرداخته و نظام مالی حاکم بر حقوق خانواده در ایران را نیز مورد بررسی قرار داده است. سپس با مطالعه و بررسی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که هر یک از نظام‌های استقلال و اشتراک اموال می‌تواند برای بستر خانواده در جامعه ایرانی به وجود بیاورد، پیشنهاد نظام مالی جایگزین و راه‌حل‌هایی اجرایی در سطح سیاست‌گذاری و قانونگذاری را ارائه کرده است.

### واژگان کلیدی

حقوق مالی زوجین، حقوق مالی زن، نظام استقلال اموال، نظام اشتراک اموال، نفقه

\*. استادیار گروه حکمرانی خانواده و جمعیت، دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران، تهران، ایران (Zeynodini@ut.ac.ir)

\*\*دانشجوی دکتری دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (gharehchamani@ut.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

خانواده از جمله نهادهای مقدس و ارزشمند در نظام اسلامی و ایرانی است. ضرورت پرداختن به اهداف و مسائل این نهاد و رفع موانعی که ممکن است بر سر راه رسیدن اعضای آن به هدف اصلی ایجاد خانواده قرار بگیرد، از مهم‌ترین اقداماتی است که دولت‌ها به آن مبادرت می‌ورزند. مباحث مرتبط به اموال و دارایی‌ها یکی از مباحث مهمی است که پیش از ازدواج، در طول دوران زندگی مشترک و پس از انحلال آن نیز ممکن است برای طرفین مسئله‌ساز شود.

از آن جایی که زن به عنوان رکن اساسی و عنصر تشکیل‌دهنده و محوری خانواده شناخته می‌شود حفظ امور مالی مترتب بر وی نیز برای شارع و قانون‌گذار اهمیتی والا دارد. نقش زن در خانواده به عنوان قطب اصلی احساسات و عواطف در خانواده، شامل مواردی از جمله پروراندن عواطف و احساسات اعضا، گسترش ارزش‌های معنوی، مایه انس و آرامش و سکینه بودن افراد، تقویت روحی همسر و مؤثر در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای خانواده است. لذا تلاش برای حفظ و بازیابی حقوق مالی او برای اینکه زن بستری امن در خانه و خانواده را تجربه کند و بتواند با فراغ بال به وظایف مذکور بپردازد از جایگاهی به نسبت مهم‌تر از صرف مطالبه حقوق مالی وی قرار می‌گیرد. بنابراین ضروری است تا دولت و حاکمیت ایران با تعریف فرایندهای تسهیل‌گرانه در قانونگذاری و سیاستگذاری خود در این راستا خانواده را به اهداف مذکور برساند.

ترمیم روابط زن و شوهر در مسیر درست و الهی، ایجاد محیط آرامش، محل پاسخ به نیازهای عاطفی و روحی زن، عدم ظلم و ستم به زنان، آسایش در خانواده، احترام کار زن در خانه، دفاع قانونی و اخلاقی از زن، تهذیب و اخلاق‌مداری مرد، محلی برای مراقبت از لطافت‌های زن در خانواده، امنیت روانی و اخلاقی و فرصتی برای بروز استعدادها، از جمله اهدافی است که در خانواده تنها با وجود بستر مناسب امکان رشد و نمو پیدا خواهد کرد. مقاله پیش رو در جهت اهمیت استقلال مالی زنان در راستای توانمندسازی آن‌ها، در تلاش است تا به این پرسش پاسخ دهد که اساساً نظام استقلال و اشتراک اموال در نهاد خانواده دارای چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است و چه پیشنهادهایی می‌تواند به رفع این محدودیت‌ها کمک نماید. در این زمینه نقش حاکمیت برای تنظیم‌گری قوانین مالی در حوزه خانواده با هدف ایجاد تعادل اقتصادی برای آن و تکریم مقام زن ضروری می‌نماید.

با این مقدمه، در نوشتار حاضر ابتدا مفهوم نظام مالی و انواع آن در خانواده مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. سپس، با بررسی اجمالی امور مالی مترتب بر زن در نظام خانواده در ایران از جمله بحث نفقه، مهریه، درآمد حاصل از کار مستقل زن، اجرت‌المثل، اجرت‌الرضاع، جهیزیه و نحله، تلاش می‌گردد تا به این سوالات پاسخ داده شود که نظام مالی خانواده در ایران اساساً چه رویکردی به نظام مالی اموال زوجین برگزیده است؟ آیا نظام اشتراک اموال بر نظام مالی زوجین مترتب است یا نظام استقلال اموال؟ و هر کدام از این نظام‌ها چه آثار و نتایجی برای خانواده به بار می‌آورد؟ نوشتار پیش رو، در ادامه به بررسی این سوال خواهد پرداخت که آیا نظام پیشنهادی جایگزینی برای تجویز به خانواده ایرانی که دارای بافت فرهنگی اجتماعی مخصوص به خود است وجود دارد یا خیر؟

این مقاله، ضمن بررسی چالش‌ها و فرصت‌هایی که هر یک از نظام‌های استقلال یا اشتراک اموال برای روابط مالی زوجین فراهم می‌آورد در نهایت به عنوان رژیم مالی پیشنهادی جایگزین<sup>۱</sup>، انتخاب‌هایی را بر سر راه سیاستگذار، زن و مرد در خانواده (توافق طرفین) و حاکمیت قرار دهد تا از طریق آن بتوان برای شروع زندگی مشترک، تداوم و استمرار آن و در صورت نیاز بطلان و پایان زندگی زناشویی، امکانات و شرایط دستیابی به حقوق برابر مالی (هم برای زن و هم برای مرد) فراهم باشد. راهکارهای سیاستی که در چهارچوب این مقاله ارائه می‌شوند جنبه پیشنهادی و توصیه داشته؛ به این معنا که قانون‌گذار می‌تواند آن‌ها را پیش روی افراد قرار دهد تا هر خانواده بنا بر شرایط منحصر به فرد خود بتواند در خصوص اتخاذ یا عدم اتخاذ آن راهکار تصمیم مستقلانه بگیرد.

## ۲- استقلالی یا اشتراکی بودن نظام اموال در دین اسلام و قوانین جمهوری اسلامی ایران

نظام مالی خانواده<sup>۲</sup> به معنی سیستم مالی خاصی است که هر حاکمیتی جهت مالکیت و اداره‌ی اموال زوجین پس از ازدواج برمی‌گزیند و به وجود آمدن یا نیامدن اموال مشترک خانوادگی را تعیین می‌نماید. در صورت به وجود آمدن اموال خانوادگی به وسیله‌ی ازدواج، این رژیم، ابعاد و چگونگی اشتراک در اموال، مدیریت و نحوه‌ی تقسیم آن‌ها در طلاق یا سایر موارد از جمله پایان رابطه‌ی ازدواج با مرگ و نحوه‌ی به ارث بردن چنین اموالی را در وفات زوجین بیان می‌نماید. در کشورهای تابع رژیم حقوق نوشته<sup>۳</sup>، این قانون است که ابعاد نظام مالی خانواده و قسمت‌های آمره

1. Alternative Regime
2. Matrimonial Regime or Marital property Systems
3. Civil Law

و قابل توافق آن را تعیین می‌نماید و رژیم مالی خانواده توسط قانون برای همه به صورت یکسان یا با امکان توافق زوجین بر نظام خاصی انتخاب و اعمال می‌شود (زین‌الدین و رضوی ۱۳۹۹). در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان نظام‌های مالی حاکم بر نهاد خانواده که در بین کشورهای جهان و نظام‌های حقوقی مختلف رایج است را در سه دسته کلی جای داد:

## ۱-۲ - ولایت مرد بر دارایی زن

ولایت مرد بر دارایی زن که قدیمی‌ترین نوع از نظام مالی بوده و مرد بر دارایی همسر خود ولایت کامل داشته و به نوعی زن را محجور تلقی می‌کند. در این نگاه چون مرد نان آور خانواده شناخته شده و درآمد خانه محصول کار اوست، در نتیجه او بر مال خویش ولایت داشته و فقط اوست که می‌تواند برای نحوه استفاده از آن تصمیم بگیرد. زن در این نگاه صرفاً حق انتفاع و بهره‌برداری، آن هم با اجازه شوهر را دارد. در این نگاه زن حق دارد مالک شود؛ اما مانند صغار صلاحیت اداره اموال خود را ندارد و محجور در نظر گرفته می‌شود و مرد برای اموال او تصمیم‌گیری می‌کند. این نظام مالی تا اواخر قرن نوزدهم در کشورهای اروپایی به رسمیت شناخته شده بود و آن‌ها زن را محجور می‌شناختند. البته از اواخر قرن نوزدهم این نگاه به تدریج در قوانین کشورها کمرنگ شد و کم‌کم سلطه مرد بر دارایی زن از بین رفت (محمدی، بی‌تا: ۲۴).

## ۲-۲ - اشتراک اموال و دارایی‌ها<sup>۱</sup>

نظام‌های اشتراکی (اشتراک اموال زوجین) نظام‌هایی هستند که با اعتقاد به برابری حقوق و مسئولیت‌های زوجین در خانواده به تعریف حقوق مالی خانواده می‌پردازند. این دسته با پیروی از مدل برابری ارائه شده توسط کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، نظام مالی اشتراک اموال زوجین را به عنوان رژیم مالی قانونی برای خانواده ارائه می‌دهند که در آن زن و مرد، در آورده‌ی یکدیگر در خانواده سهیم می‌شوند (زین‌الدین و رضوی ۱۳۹۹). نظام اشتراک اموال و دارایی‌های زوجین خود به دو دسته تقسیم می‌شود (سنه‌وری، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۶۸):

**اشتراک کامل:** در این نظام مالی، زن و شوهر نسبت به دارایی‌ها و اموال خود و همسر خود مالکیت مشاع دارند. به این معنا که نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد که هر یک از دارایی‌ها و اموال، دقیقاً متعلق به کدام یک از زوجین است؛ چرا که هر کدام به نسبت مساوی حق مالکیت بر آن مال یا دارایی را خواهند داشت (حائری و رحیمی، ۱۳۹۴: ۵۵).

اشتراک نسبی: در این نظام زن و شوهر در برخی از اموال خود شریک‌اند و مالکیت مشاع دارند و در بعضی دیگر از اموال، مالکیت مستقل خود را حفظ می‌کنند. در واقع این نگاه، دارایی‌ها و اموال زن و شوهر را در سه دسته تعریف می‌کند: اموال اختصاصی شوهر، اموال اختصاصی زن و اموال مشترک طرفین(همان).

### ۲-۳- استقلال مالی زوجین (افتراق کامل اموال و دارایی‌ها)<sup>۱</sup>

نظام استقلالی (استقلال اموال زوجین) اموال مستقلی برای هر یک از زن و مرد در نظر می‌گیرند و ازدواج را سبب ایجاد رابطه‌ی مالی جدیدی بین زوجین نمی‌داند. در رژیم‌های افتراقی فقط اموال اختصاصی زوجین وجود دارد. در جدایی اموال، هر زوج نه تنها مالک اموال پیش از نکاح خود است، بلکه مالک درآمد و سایر اموالی است که در طول نکاح به دست می‌آورد. در این دوران، هیچ مالی مشترک نیست و اداره مشترکی هم وجود ندارد، بلکه هر یک از زوجین به طور مستقل اموال خود را اداره می‌کنند(روشن و نعیمی: ۱۳۹۵).

در این رژیم، هیچ اشتراکی در دوران ازدواج و پس از انحلال آن در دارایی‌ها و دیون تشکیل نمی‌شود، مگر در صورت وجود شرط مخالف؛ لذا هر یک از زوجین در اداره اموال خود مستقل می‌باشند. در این رژیم، کمترین برخورد و تلاقی بین اموال زوجین مشاهده می‌شود. این پندار که وضعیت مالی زوجین در این رژیم هیچ نظم و ترتیبی ندارد، درست نخواهد بود. زیرا ازدواج، منجر به تشکیل خانواده می‌شود که در آن زوجین باید به صورت مشترک هزینه‌های آن را پرداخت کنند و همین تعهد پرداخت هزینه‌های ازدواج، از رژیم افتراق اموال یک رژیم مالی واقعی می‌سازد (Michael&Stegman, 2012). این نظام که جزء قدیمی‌ترین نظام‌هاست، معتقد بر این است که زن و شوهر به تنهایی برای خود اموال و دارایی‌هایی را دارند که تنها خودشان مالک آن بوده و دیگری صرفاً در صورت رضایت مالک، حق انتفاع از آن را خواهد داشت. به عبارتی زن و مرد، هر کدام به شکل مستقل بر دارایی‌ها و اموال خود تسلط دارند. هر کس با توجه به صلاحدید خود می‌تواند هر مقدار از دارایی‌اش را که بخواهد وارد زندگی کند و دیگری حق سلطه و تصمیم‌گیری مستقلانه برای مال دیگری را نخواهد داشت.

## ۲-۳-۱- سه ادله روایی به عنوان مستندات مورد استفاده توسط طرفداران دیدگاه استقلال اموال

۱- در عبارت «الناس مسلطون علی اموالهم» (طوسی، ۱۳۹۰: ۲۳۴) واژه «الناس» بر استغراق و عمومیت دلالت دارد. در نتیجه زنان نیز از طریق عموم لفظ، داخل در این حکم بوده و بر اموال خود مسلط هستند و نیازی به اذن در انجام هرگونه تصرف در مال خود ندارند (حائری و رحیمی، ۱۳۹۴: ۶۱).

۲- امام باقر (ع) می‌فرماید: «زنی که بالغ و رشید است می‌تواند خرید و فروش کند، برده آزاد کند، شهادتش قبول است و برای هرگونه تصرفی در اموالش مجاز است.» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۳۷۸).

۳- عمرو بن حریث از حضرت زینب سلام‌الله‌علیها نقل کرده که زینب همسر عبدالله باخبر شد که رسول خدا به زنان فرموده: «صدقه بدهید؛ هرچند از زیورات باشد.» وی که به سبب اشتغال به صنعت دستی، درآمدی داشت و همسرش بی‌بضاعت بود، همراه با زن دیگری از انصار به نام زینب، خدمت رسول خدا شرفیاب شد و پرسید: «آیا می‌توانم از اموال به همسرم تصدق کنم؟» پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله و سلم ضمن جواب مثبت به آنان فرمود: «برای این عمل، دو پاداش است: یکی رسیدگی به خویشان و دیگری صدقه» (احمد سنه‌وری، ۱۳۸۳: ۵۰۲). دستور دادن صدقه برای زنان دلالت بر آن دارد که در ابتدا ثبوت استقلال اقتصادی زن پذیرفته شده است؛ چرا که لازمه تصدق، مالکیت و تسلط بر اموال خود است.

این بحث که نگاه قانون‌گذار ایران و نگاه شریعت برای هر یک از زوجین استقلال اموال و دارایی‌هایشان را مبنا قرار داده است یا اشتراک آن‌ها را، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. چرا که فهم ریشه‌های دینی و قانونی جاری بر حقوق مالی خانواده، بر نگاه و نحوه اتخاذ سیاست‌های مورد توافق از سوی حاکمیت اثر دارد. لذا در ادامه، ابتدا به تشریح این موضوع پرداخته می‌شود که در فقه شیعه و قانون مصوب در جمهوری اسلامی ایران، نظام مالی زوجین در خانواده، نظام استقلال اموال است یا اشتراک اموال. سپس مبتنی بر ادله‌ی فقهی و قانونی که برای هر یک از مفاهیم مالی خانواده آورده شده است تبیین می‌شود که بینش اسلامی و قانونی در ایران، نظام استقلال اموال را به رسمیت شناخته و معتقد است زن و شوهر هر یک مشخصاً مالک دارایی‌ها و اموال خود هستند و این حق را هم برای زن و هم مرد به رسمیت می‌شناسد.

## ۲-۳-۲- نفقه

تعریف نفقه عمدتاً با ذکر مصادیق صورت گرفته و تعریف دقیق و جامعی از کلیت آن در دست نیست. این بدان معناست که تشخیص مصادیق نفقه بسیار به عرف و فرهنگ هر زمانه و هر ناحیه بستگی دارد. برای مثال در گذشته مواردی مانند تأمین هزینه بیمه و درمان بیماری‌های زن توسط همسرش یا انجام تفریحاتی از جمله رفتن به رستوران به میزان معقول در ماه ذیل مفهوم نفقه معنا پیدا نمی‌کرد؛ اما امروزه به فراخور نیاز و عرف جامعه و مستفاد از بازتعریفی که می‌توان از واژه «متعارف» در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی داشت این موارد نیز ذیل نفقه تعریف می‌شوند. با این وجود، ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقه را با مصادیقش تعریف کرده که بدیهی است ذکر پنج مورد به عنوان مصادیق نفقه صرفاً از باب تمثیل بوده و نه انحصار.<sup>۱</sup> برای روشن تر شدن این تعریف اجمالی از نفقه، توضیحات مختلفی بر آن مترتب شده است. مثلاً برخی نویسندگان معتقدند که نفقه چیزی است که برای گذران زندگی لازم و مورد نیاز باشد (صفایی و امامی، ۱۳۷۴: ۳۹۳). برخی دیگر در تعریف نفقه معتقدند که: «نفقه تمام وسایلی است که زن با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است» (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۸۲).

۸۱

ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی نفقه زن را بر ذمه شوهر دانسته و از وظایف مرد برشمرده است. این در حالی است که پس از وصول نفقه، مالکیت زن بر حق مکتسبه تماماً متعلق به خودش است و تصرف همسر در آن منوط به اذن زن می‌شود. این ماده می‌گوید: «زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوا نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند».

## ۲-۳-۳- مهریه

مهریه از قوانین آمره دین اسلام برای ازدواج است که قانون‌گذار آن را در حقوق ایران نیز به رسمیت شناخته است. آیه ۴ سوره نساء می‌فرماید: «و مهر زنان را به عنوان پیشکشی به ایشان بدهید و اگر به میل خود چیزی از آن را به شما بخشیدند، آن را حلال و گوارا بخورید». مهر را از آن جهت صدقه گفتند چون نشان از صادقانه بودن علاقه مرد به زن دارد (محرری، ۱۴۰۷: ۴۶۹)؛ یا بدان خاطر است که نشان از صدق ایمان او دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۵).

۱. نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء.

۲. و اتوا النساء صدقاتهن نحله فان طبن لکم عن شیء منه نفسا فکلوه هنیئاً مریتاً

مهر یا مهریه مال معین یا چیزی است که قائم مقام مال باشد بر سبیل متعارف؛ زوج به زوجه در عقد نکاح می‌دهد یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۷۰۲). اهمیت وجود مهریه به عنوان مال مستقل برای زنان تا به جایی است که قانون، شرط عدم مهر در عقد نکاح را باطل دانسته (ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی<sup>۱</sup>) و در صورت عدم تعیین مهر، زن غیرمدخوله را مستحق مهر المته و زن مدخوله را مستحق مهرالمثل می‌داند.

## ۲-۳-۴- درآمد حاصل از کار مستقل زن

آیه ۳۲ سوره نساء<sup>۲</sup> به کسب و کار زن جواز بخشیده و نتایج حاصل از آن را هم به خودش معطوف کرده: «برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای...» لام در للنساء به معنای انحصار بوده و منظور آن است که نتایج اکتسابی مختص خود زن بوده و بر آن مالکیت دارد. از سویی «کسب» در لغت به معنای طلب روزی، جمع کردن و سود بردن معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۳۲). «مراد از اکتساب در آیه مذکور اموالی است که از طریق مشاغل و سایر راه‌های کسب درآمد به دست می‌آید و این آیه بر نافذ بودن تصرفات زن بعد از بلوغ و رشد دلالت دارد» (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۴۵). پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی می‌فرماید: «کسب روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است»<sup>۳</sup> (مجلسی، ۱۴۱۰: ۹). این بدان معناست که کار و اشتغال در مقام ایجابی برای زن در دین اسلام به رسمیت شناخته شده است. قانون ایران نیز در بحث به رسمیت شناختن این حق برای زن در راستای شریعت حرکت کرده و قانون اساسی در اصل ۴۶ خود اذعان کرده که هر کس (اعم از زن و مرد) مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و در اصل بعد، مالکیت شخصی ناشی از راه مشروع را محترم شمرده است. معنای مخالف ماده ۱۱۱۷ در قانون مدنی چنین برداشت می‌شود که زن می‌تواند بر سر شغلی که مناسب باشد بماند<sup>۴</sup>. چرا که در کنار این ماده، ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی مالکیت زن بر دارایی خود (که درآمد حاصل از کار مستقل را نیز شامل می‌شود) به رسمیت شناخته است.<sup>۵</sup> استقلال مالی زنان با حق کار ارتباط تنگاتنگ دارد چرا که اگر حق کار برای زنان به رسمیت شناخته

۱. اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده؛ یا عدم مهر شرط شده باشد؛ نکاح صحیح بوده؛ طرفین می‌توانند بعد از عقد، مهر را به تراضی معین کنند؛ ممکن است مهریه مزبور بیشتر یا کمتر از مهر المثل باشد.

۲. للرجال نصيب مما اكتسبوا و للنساء نصيب مما اكتسبن...

۳. طلب الحلال فریضه علی کل مسلم و مسلمة

۴. شوهر می‌تواند زن را از شغلی که نامناسب باشد منع کند.

۵. زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.



شود اما در کنار آن استقلال مالی برای آن‌ها در این زمینه رسمیت نداشته باشد، نتیجه کارشان عاید خودشان نخواهد شد و زنان را مالک دسترنج خود نمی‌کند (سالارزایی و مسرور، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

### ۲-۳-۵- نحله

نحله در لغت به معنای مهر و هدیه است. «نحل به معنی زنبور عسل، بخشش بدون عوض یا بخشش و هدیه، به کار می‌رود. نحل به ضم «ن» مصدر است به معنای عطا کردن و مهریه و اسم مصدر آن «نحله» به کسر «ن» و ضم آن استعمال شده» (فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۱۷۰). از نحله در قرآن با نام «متاع» یاد می‌شود<sup>۱</sup> (بقره: ۲۴۱). در تعاریف آمده است که متاع، مال اندکی را گویند (امین، ۱۳۶۱: ۲۵۴) که به کسی داده می‌شود تا از آن بهره‌مند شود (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳۶۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۴۴). این هدیه شامل تمام زنانی است که می‌خواهند جدا شوند. این موضوع برای آن است که از حس انتقام‌جویی بیشتر و کینه‌ورزی جلوگیری شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۵۳).

لفظ نحله فقط یک بار در قرآن و در آیه ۴ سوره نساء آمده است<sup>۲</sup>. فقهای امامیه شرط استحقاق متعه را این می‌دانند که طلاق از ناحیه زوج بوده یا به نحوی به وی منتسب شود؛ اما اگر از جانب زوجه باشد همانند طلاق خلع و مبارات، او استحقاق متعه را نخواهد داشت. شیخ طوسی می‌گوید: «وجوب متعه به نفع زوجه هنگامی است که فراق و جدایی از ناحیه شوهر باشد» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۱۹).

### ۲-۳-۶- جهیزیه

جهیزیه واژه‌ای عربی به معنی اسباب، رخت، اثاث و امور دیگر است که عروس با خود به خانه داماد می‌برد (عمید، ۱۳۷۵). در اصطلاح عرب جهیزیه با واژگانی نظیر «مهرالمراه» یا «تجهیز العروس» به کار برده می‌شود. تهیه وسایل زندگی که امروزه با نام جهیزیه شناخته می‌شود، بنا بر دستور قرآن در آیه ۳۴ سوره نساء و کلام فقها و آرای حقوقدانان و رویه قضائی موجود، از مصادیق نفقه و بر عهده مرد است و هیچ‌گونه تکلیف شرعی و قانونی را بر عهده زدن قرار نمی‌دهد (عاملی جبعی، ۱۴۱۰، ج ۱۵، ص ۲۲۳؛ همان، ۱۴۱۳: ۴۳۸).

اینکه در جامعه کنونی ایران تهیه وسایل زندگی در آغاز زندگی مشترک به عهده زن گذاشته شده است، امری کاملاً عرفی بوده که ریشه‌ای در شریعت ندارد. در منابع اسلامی صرفاً بر شمردن مصادیق جهیزیه دیده می‌شود. با بررسی این مصادیق در آیات و روایات و کلام فقها (نجفی، ۱۳۶۲:

۱. و للمطلقات متاع بالمعروف حقا علی المتقین

۲. و اتوا النساء صدقاتهن نحله فان طین لکم عن شی منه نفسا فکلوه هنیئا مرینا

۳۳۰؛ حلی، بی تا: ۴۷؛ عاملی جبعی، ۴۶۹: ۱۴۱۰) می توان این نتیجه را استنباط کرد که اثاثیه زندگی یکی از مصادیق نفقه بوده که تأمین نفقه نیز وظیفه زن نبوده و وجوب آن بر عهده مرد است. فلذا اگر زن وسایلی را تهیه می کند از باب معاونت در زندگی است و نه الزام و مسئولیت (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۱۰۹).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم جهیزیه حضرت زهرا سلام الله علیها را از مهریه ایشان که حاصل فروش زره حضرت علی علیه السلام بود، تأمین فرمود و این سیره از پیامبر دلیل محکمی است بر آن که زن و خانواده اش هیچ الزامی برای تهیه مهریه از اموال خودشان ندارند (مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۳۰). بدون شک جهیزیه ای که دختر یا خانواده اش آن را تهیه می کنند ملک دختر بوده و در مالکیت وی نیز باقی خواهد ماند (امامی، ۱۳۸۸: ۲۶۱). این عرف که جهیزیه را زن تهیه کند در زمان های مختلف و در میان قوم ها به ویژه ملت های شرقی همواره مرسوم بوده است. با فرض تهیه جهیزیه توسط دختر مبتنی بر فرهنگ شرقی و ایرانی، این امر مالکیت زن بر آن وسایل را از بین نبرده و نهایتاً مالکیت اموال آورده شده، تماماً با زن می باشد.

## ۲-۳-۷- اجرت المثل

۸۴

فقها به دلیل واضح و بدیهی بودن معنای اجرت المثل کمتر به تعریف این مفهوم پرداخته اند. با این حال می توان در یک تعریف کلی گفت: «اجرت المثل عوضی است که بین طرفین مقرر نشده باشد و باید توسط اهل خبره معین گردد» (عدل، ۱۳۸۵: ۱۸۲). «عوض منافع در مقابل استیفای منافع بدون آنکه مورد عقد قرار گیرد را اجرت المثل گویند» (امامی، ۱۳۸۴: ۷۳). «بدل قیمت واقعی در بازار چون با ملاحظه امثال مورد اجاره تعیین می شود، اجرت المثل نام دارد» (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

در حقوق موضوعه ایران سه ماده قانونی وجود دارد که به طور خاص به مفهوم اجرت المثل پرداخته اند: تبصره ۶ ماده واحد قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق (مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۸ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، تبصره الحاقی ماده ۳۳۶ قانون مدنی (مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۳ تشخیص مصلحت نظام)، ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده جدید (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی). قبل از تصویب قانون حمایت از خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱، مهم ترین منبع قانون برای اجرت المثل ایام زوجیت و نحل، بندهای دوگانه تبصره ۶ ماده واحد اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ بود. اثبات در نظر گرفتن اجرت المثل برای انجام کاری بدون وجود قرارداد (مانند آنچه زن در خانه برای مرد و زندگی مشترک انجام می دهد) مستلزم بررسی سه موضوع است: وجود امر از طرف

آمر؛ وجود قصد اجرت از طرف عامل؛ اجرت عرفی داشتن عمل انجام شده. اگرچه فقها وجود امر و دستور را برای اثبات پرداخت اجرت المثل ضروری می‌دانند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶: ۱۳۹)، اما هریک ضرورت تصریح به امر را در این خصوص رد کرده‌اند.<sup>۱</sup> در خصوص کار خانگی نیز در بادی امر فرض بر این است که بین زن و مرد هیچ قراردادی وجود نداشته است؛ اما اگر ثابت شود که کارهای انجام شده به دستور زوج انجام گرفته زن مستحق دریافت اجرت المثل است (علاسوند و نیکوخصال، ۱۳۹۶: ۹).

البته مراد از دستور دادن، اثبات دستور صریح از جانب مرد نیست؛ بلکه اگر زن اقدام به انجام عملی به نفع مرد بکند، هر چند پیشنهاد و اجازه قبلی از طرف شوهر نداشته باشد، همین که مرد راضی به انجام آن عمل باشد، این امر قانوناً (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲۰۲؛ امامی، ۱۳۶۶: ۴۱۳) و شرعاً (اشتهاردی، ۱۴۱۷: ۲۶۶) در حکم دستور مرد به زن بوده و بر ذمه مرد است که اجرت عمل زن را پرداخت نماید. مانند جایی که زن به انجام کاری اقدام می‌کند و این در حالی است که شوهر از آن اطلاعی ندارد؛ اما بعد از اینکه از عمل آگاهی پیدا می‌کند ابراز رضایت نموده یا حداقل مخالفتی هم نمی‌کند. این ابراز رضایت یا عدم مخالفت، دلیل وجود إذن از طرف شوهر است.<sup>۲</sup>

### ۲-۳-۸- اجرت الرضاع

آیه ۶ سوره طلاق به پرداخت اجرت زنان در قبال شیر دادن آن‌ها به فرزندان اشاره دارد: «پس اگر زنان برای شما به فرزند شیر می‌دهند دستمزد آن‌ها را بدهید».<sup>۳</sup> در اینجا پرداخت دستمزد شیر به زنان، علاوه بر اصل مالکیت زن نسبت به آن مال، بر استقلال وی در اداره آن نیز دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۷).

### ۳- فرصت‌ها و محدودیت‌های نظام‌های مالی موجود برای خانواده

به نظر می‌رسد نظام استقلال اموال از حیث به وجود آمدن نیازهای تازه برای نهاد خانواده مبتنی بر مقتضیات زمانه، دیگر نمی‌تواند به تنهایی پاسخگوی کاملی برای خواسته‌های مالی زن و مرد باشد. این بدان معنا نیست که نگاه اسلام به مقوله امور مالی در خانواده ناقص یا غلط بوده؛ بلکه برعکس، به واسطه عوامل و حقوقی که شرع آن را مجاز و واجب شمرده است، امکانات

۱. «فلا ینحصر بالأمر یعم الإذن ولو بالفعل نحو ما اذا جلس بین یدی الحلاق لیحلقه (خلخالی، ۱۴۲۷ ق، ص. ۸۷۹). اگر معلوم نباشد که عامل قصد تبرع کرده است، پس مطالبه اجرت نمود، مسموع است ادعای عدم قصد مجانیت از او و فرقی بین امر و إذن نیست (بهجت، ۱۴۲۶ ق، ص. ۳۱۲).

۲. از منظر قضایی نیز اگر ثابت شود کار انجام شده از طرف زن از ترس عقاب بعدی شوهر بوده است، از نظر بعضی از قضات مرد آمر شناخته می‌شود (دیانی، ۱۳۷۹: ۲۰۰).

۳. فان ارضعن لکم فاتوهن اجورهن

و اختیاراتی را به جامعه داده که بر اساس نیازهای زمانه بتواند نظام مالی این نهاد ارزشمند را مدیریت نماید. به همین منظور ضروری است تا چالش‌هایی که نهاد خانواده از منظر مالی با آن درگیر است تشریح و بررسی شود تا مشخص گردد اساساً چه مدل پیشنهادی از نظام‌های مالی می‌تواند به این نیازها پاسخ بهتری دهد. به نظر می‌رسد که نظام استقلال اموال از منظر شریعت اسلام به صورت تفکیک شده کاملاً مقبول است. اینکه در مقام عمل زن یا مرد تصمیم بگیرند که مال و دارایی خود را داخل زندگی مشترک استفاده نمایند یا نه؛ تصمیمی است که وابسته به شخص بوده و هر دو برای انجام یا عدم انجام آن اختیار تام دارند.

در هر یک از حقوق مالی که بررسی گردید (از جمله نفقه، مهریه، درآمد حاصل از کار زنان، نحله، اجرت المثل و اجرت الرضاع)، دو بُعد استقلال و اشتراک هم‌زمان وجود دارد. بدین معنا که هر یک از مفاهیم در ساحت اعطای به زن می‌توانند از دو منظر تحلیل شوند:

۱- در مقام ثبوتی دسته‌ای از امور مالی هستند که در آغاز توسط مرد تحصیل می‌شوند و مرد مالک آنهاست؛ اما با اعطا و تفویض آن به زن از ید مالکیت مرد خارج شده و به مالکیت مطلق زن در می‌آید؛ مانند آنچه در نفقه، مهریه، نحله، اجرت المثل و اجرت الرضاع پدید می‌آید؛ به عبارت دیگر تا پیش از اعطای مال به زن، مالکیت برای مرد است (استقلال اموال برای مرد در این مرحله)؛ به محض دادن هر یک از حقوق مذکور مالی به زن، مالکیت به وی منتقل می‌شود (استقلال اموال برای زن در این مرحله).

درواقع ویژگی خاص نظام استقلال اموال به شیوه‌ای که در ایران اجرا می‌گردد آن است که قانون ایران به پیروی از احکام شریعت و با توجه به نگاه خاصی که به جایگاه هر یک از زن و مرد در خانواده دارد، در عین استقلال اموال زوجین از یکدیگر، مرد را ملزم به پرداخت هزینه‌های مالی خانواده کرده است. این بدان معناست که تمام یا بخشی از مالی که در تسلط مرد است بر حسب وظیفه و تعهدات قانونی وی، باید در زندگی به صورت مشترک مصرف شود (اشتراک اموال در این مرحله) و او حق ندارد به صرف اینکه بر اموال و دارایی‌های خود حق مالکیت و تصرف دارد، آن‌ها را برای رفع نیازهای مالی زندگی مشترک و انفاق همسر و فرزندان استفاده نکند؛ زیرا این تکلیف قانونی اوست که غیرقابل توافق می‌باشد و به صورت آمره اجرا می‌گردد.

۲- دسته‌ای دیگر از امور مالی نیز هستند که در مقام ثبوت، نیازی به پرداخت از سمت مرد به زن نداشته و زن هم صاحب درآمد و اکتساب‌کننده آن است و هم به طور مستقل مالک مال خود؛ مانند درآمد مکتسبه از کار زن، جهیزیه و ارث. در این حالت چون در شرع و قانون

زن مسئولیت مالی نداشته و می‌تواند اموال خود را وارد زندگی مشترک نکند، استقلال مالی زن چه در تحصیل و چه در نحوه استفاده آن وجود دارد.

اختلاف در اینجاست که اتفاق می‌افتد؛ یعنی چون زن نمی‌تواند از منظر قانونی، حقوقی که مرد به او تفویض می‌کند را مطالبه و پیگیری کند، ناخودآگاه به سمت حقوقی می‌رود که نیازی به تفویض مرد نداشته باشد و بتواند در صورت نیاز، آن را از مجرای قانونی پیگیری نماید و قانون‌گذار هم از او حمایت کند. لذا حقوقی که هم مالکیت و هم تفویض آن با خود زن است، نظام استقلال اموال او را می‌سازد؛ نه حقوقی که پرداخت آن شرعاً بر ذمه مرد بوده است؛ یعنی زن حاضر است نظام حقوقی و مالی جدیدی را بر خود بار کند و مسئولیت‌های جدیدی را برای خود تعریف کند اما در چرخه‌ی دریافت حقوق قانونی خود از مرد گرفتار نشود؛ چرا که برای مطالبه آن‌ها ضمانت اجرای قانونی پیدا نمی‌کند.

حال باید دید با وجود چنین نگاهی، آیا ضرورت دارد که از نظام استقلال اموال به سمت نظام اشتراک اموال برای زن و شوهر در نهاد خانواده حرکت نماییم یا خیر؟

### ۳-۱- فرصت‌ها و محدودیت‌های نظام اشتراک اموال در خانواده

پذیرفتن هر یک از نظام‌های استقلال و اشتراک اموال در خانواده، هزینه‌ها و فرصت‌های مخصوص به خود را به دنبال خواهد داشت. این بخش به تفکیک نظام‌های مالی زوجین، آثار و نتایج پذیرش هر یک از آن‌ها برای خانواده خواهد پرداخت. در وهله اول، اگر نظام اشتراک اموال زوجین را بپذیریم، یعنی پذیرفتیم که:

۱- چه در دسته یک و چه در دسته دو که در قسمت قبل در خصوص شیوه استقلال برای مالکیت اموال مطرح شد نمی‌توان قائل به مالکیت مطلق زن یا مرد بر اموال و دارایی‌هایشان بود؛ یعنی تمامی امور مالی برای طرفین مشترک است و هر یک به میزان مساوی یا به نسبت سهمشان می‌توانند در آن اموال تصرف کنند. حال آنکه این نگاه تا حد زیادی استقلال مالی برای زن را زیر سؤال می‌برد. چرا که مرد (برخلاف زن) به واسطه وظیفه دینی و قانونی خود لاجرم مجبور به استفاده مشترک از اموال خویش در خانواده است؛ اگر نگاه اشتراک اموال جایگزین گردد، زن نیز باید اموال مستقل خود را (چه آنهایی که ابتدا از سوی مرد به او داده شده و چه آنهایی که خودش به دست آورده است) مشاعاً در زندگی خرج نماید.

۲- در این نگاه تبیین ولایت مطلق مالی مرد بر خانواده از بین رفته و این ولایت به زن هم داده می‌شود؛ یعنی همان‌طور که زن می‌تواند در اموال مرد مشاعاً حق مالکیت داشته باشد، به همان میزان هم ضروری است تا زن وظیفه تأمین مالی خانواده را عهده‌دار شود؛ چه قائل به اشتراک تام (وظیفه تأمین منابع مالی توسط زن متساوی با مرد) و چه قائل به اشتراک نسبی (زن در محدوده اموال مشترک وظیفه تأمین آن‌ها را دارد) در اموال باشیم.

۳- ممکن است نظام اشتراک اموال بیشتر در جوامع مدرن که زن و مرد مجبورند پایه‌پای یکدیگر کار کرده و برای تأمین معاش خانواده تلاش کنند پاسخگو باشد. چرا که در آن بستر، کسب درآمد مستقل، اساساً به عنوان حق ذاتی زن تعریف می‌شود؛ اما در جامعه‌ای مانند ایران که حدود هفتاد درصد زنان کشور خانه‌دار هستند<sup>۱</sup> و درآمدی که منشأ اعطای آن غیر از همسر خود باشد، ندارند؛ تا چه اندازه می‌توان مطمئن بود که این نظام قدرت پاسخگویی به آن را خواهد داشت؟ به بیان دیگر، در صورت پذیرش نظام اشتراک اموال، از این پس مردی که تماماً مسئول تأمین امور مالی خانواده است باید درآمدش را مشترکاً با مالکیت زن تقسیم کند؛ در کنارش حقوق مستقل زن (مانند نفقه، مهریه، اجرت المثل و اجرت الرضاع) را نیز بدهد؛ یعنی تعریف دو امر واجب به جای یک امر واجب برای مردان. سؤالی که در ادامه مطرح می‌شود آن است که با توجه به شرایط اقتصادی حاکم در ایران، آیا در صورت تحمیل نمودن مسئولیتی دیگر به صورت اجباری در کنار وظایف قانونی مالی موجود برای مرد، وی می‌تواند از عهده آن بر بیاید و امکان برقراری عدالت قانونی و اسلامی برای مرد و زن را دارد یا خیر؟

۴- جامعه ایران امروزه به طور جدی با معضل کاهش میل به ازدواج و تشکیل خانواده توسط دختران و پسران مجرد روبه‌روست. به عنوان سیاست‌گذار و حکمران در عرصه خانواده و جمعیت، آیا برقراری نظام اشتراک اموال می‌تواند مشوق افراد به ازدواج باشد یا بازدارنده آن‌ها؟ باید پذیرفت که این مدل فهم از نظام اشتراک اموال در ایران تا حد زیادی مسئولیت مالی برای مردان را بیشتر خواهد کرد. شاید اگر در جامعه‌ای که بنیان‌های دینی و قانونی متفاوتی با ایران داشته باشد (مانند فرانسه و کانادا) رژیم مالی اشتراک اموال شیوه‌جا افتاده‌تر و قابل پذیرش‌تری باشد؛ اما با توجه به محدودیت‌ها و فرصت‌هایی که شرع برای نحوه تصرف اموال

۱. آمارهای اطلس وضعیت زنان و خانواده که بر مبنای سرشماری سال ۹۵ تهیه شده است، در خصوص وضعیت زنان خانه‌دار کشور نشان می‌دهد که به طور میانگین حدود ۶۲.۱ درصد از زنان ۱۰ ساله و بیشتر به جمعیت در سن کار، خانه‌دار هستند. همچنین ۵۹.۷ درصد زنان ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط شهری کشور و ۶۸.۳ درصد زنان نقاط روستایی کشور، خانه‌دار هستند.

مرد و حقوق مالی برای زن ترسیم کرده، انتخاب این رژیم به صورت قانونی و اجباری ممکن است در آغاز جاگیر شدنش در بطن جامعه، توازن عدالت و برابری در نظام مالی زن و شوهر را فراهم نکند.

### ۳-۲- فرصت‌ها و محدودیت‌های نظام استقلال اموال در خانواده

پذیرش و استمرار نظام استقلال مالی به شیوه‌ای که اکنون در جامعه ایران جاری و ساری است نتایج مثبت و منفی گوناگونی به همراه خواهد داشت:

۱- استقلال اموال و جدایی نحوه تصرف در آن ممکن است تا اندازه‌ای بازدارنده وحدت و اتحاد خانواده باشد و منافع مشترک کمتری را برای خانواده تعریف نماید. بدین معنا که وقتی زن و شوهر در سود و زیان حاصل از اشتراک در دارایی و اموال سهیم باشند، سعی می‌کنند تا به طور دو جانبه برای رشد هر چه بهتر خانواده‌شان تلاش کنند؛ چرا که خود را در نتایج آن سهیم می‌دانند. نظام استقلال اموال ممکن است با خطر فردگرایی در خانواده و عدم وجود مسئولیت دو سویه برای رساندن خانواده به اهداف مدنظرش مواجه باشد.

۲- نظام استقلال اموال در مرحله ثبوتی هم برای شارع و هم برای قانون‌گذار پذیرفته شده است؛ اما آیا این نگاه در عمل توانسته است بستری مناسب را فراهم کند تا در سایه آن، زن در خانواده بتواند از حقوق قانونی و شرعی خود برخوردار شود و به آن دست پیدا کند؟ برای مثال دریافت نحل بعد از انحلال نکاح یا اجرت المثل و نفقه در استمرار زندگی زناشویی عملاً در چنین نظامی ناممکن است؛ این در حالی است که با فرض پذیرفتن نظام اشتراک اموال زوجین، این حقوق خود به خود به زن تعلق می‌گرفت و عملاً نیازی به حمایت و پشتیبانی دولت از زنان نبود.

۳- در راستای مشکل مورد قبل که در نظام استقلال اموال به وجود می‌آید، از دیگر نتایج آن ایجاد شروط ضمن عقد بی‌شمار و تعیین مهریه‌های سنگین برای جبران شرایط عدم دستیابی زنان به حقوق مالی خود در نظام خانواده است. همین امر باعث می‌شود تا نگاه به ازدواج ابزاری‌تر و معامله‌ای‌تر شود و زن و شوهر نتوانند در راستای هدف اصلی ازدواج که رسیدن به آرامش و یکی شدن در برابر انواع مشکلات درونی و بیرونی است حرکت کنند.

#### ۴- نظام پیشنهادی جایگزین

به نظر می‌آید که نظام استقلال اموال در خانواده با پایه‌های معرفتی و قانونی ایران سازگارتر باشد؛ اما نکته اساسی آن است که نباید تصور شود این نظام خالی از اشکال است. بلکه برعکس به دلیل برداشت غلط و درک نادرستی که از برخی از مفاهیم آن صورت گرفته، نظام مالی موجود برای خانواده در مقام اجرا نتیجه معکوس داده است. بدین معنا که در نتیجه استقلال اموال زوجین و دادن ولایت مالی خانواده به مرد، مفهوم دارا بودن «استقلال» بد تعبیر شده و نتایج زیر را با خود به همراه آورده است:

۱- این تفکر ایجاد شد که زن حق دخالت در امور مالی خانواده را ندارد؛ چرا که اساساً این امر وظیفه او نیست. لذا زن از منظر بررسی توازن قدرت مالی در خانواده، جایگاهی پایین‌تر از مرد کسب کرد. این در حالی است که طبق نظر شریعت<sup>۱</sup> و قانون در ایران<sup>۲</sup>، زن و مرد از برابری و آزادی در حقوق مالی خود برخوردارند.

۲- از نتایج طبیعی مورد قبل آن است که زن از حقوقی که خداوند ذاتاً برای او قرار داده بود منع شود و در حق بسیاری از زنان این سرزمین که عمر و سرمایه‌های مادی و معنوی خود را برای نظام خانواده‌شان خرج کردند ظلم شود و باعث شود در فرایند زندگی و حتی تا پایان آن، سرمایه‌ی اقتصادی درخوری برای خود نداشته باشند.

۳- در این نگاه زن مجبور است برای باز پس گرفتن حقوق بنیادین خود گاه دست به مطالباتی ببرد که با فطرت وی و عرف و فرهنگ جامعه ایران سازگار نیست؛ مانند اشتغال به کار خارج از خانه با ساعت کاری بالا و خستگی طاقت فرسا برای رسیدن به حق استقلال مالی در نظام خانوادگی. از منظر نگاه حکمرانی همین یک عامل (اشتغال زنان و دغدغه‌ی داشتن درآمد مستقل برای خود) به تنهایی می‌تواند بر روی مفاهیم بنیادینی چون خانواده، جمعیت، فرزندآوری، امید به زندگی، مهاجرت و طلاق اثرگذاری بالایی داشته باشد.

۴- جایگزین کردن عواملی همچون شروط سنگین ضمن عقد، مهریه‌های بالا و جهیزیه‌های کمرشکن برای جبران خلأهای قانونی و فرهنگی در مواجهه با نظام مالی خانواده برای طرفین به جای فهم و استفاده درست از بسترهای شرعی به رسمیت شناخته شده برای خانواده.

۱. آیه ۳۲ سوره نساء: «لرجال نصیب مما اكتسبوا و للنساء نصیب مما اكتسبن»؛ هر یک از زن و مرد از آنچه اکتساب کنند بهره‌مند شوند.

۲. ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی: «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند».



۵- افزایش آمار طلاق، بی‌پشتوانه ماندن زنان و گاه‌ها مردان از منظر اقتصادی و مالی بعد از جدایی، افزایش حجم پرونده‌های مربوط به دادگاه‌های خانواده در کشاکش و درگیری‌های مختلف زن و شوهر در فضای خانواده برای احقاق حقوق مالی خود.

۶- کاهش امنیت مالی زوجین حین زندگی مشترک که به دنبال خود کاهش امنیت رابطه زن و شوهر و فرزندان را خواهد داشت.

با این مقدمه ضروری است تا فهمی جدید از نظام استقلال اموال زوجین رخ بدهد. اساساً این موضوع که بستر گفتمان در خصوص این امر چه چیزی تعریف شود و فهم مسئله چطور رخ بدهد، اهمیت به سزایی در پاسخ ما به خواسته برابری حقوق مالی در نظام خانواده خواهد داشت. اگر رویکردی که به صورت‌بندی نظام مالی خانواده وجود دارد، در راستای حل دغدغه توانمندسازی مالی زن برای بهبود مسائل خانواده، جمعیت و آرامش مرد و خانواده باشد یک اثر دارد و زمانی که رویکرد ما به این مبحث مهم، جدال و جنگیدن برای رسیدن به تساوی حقوق زن و مرد ذیل نگاه فمینیستی و در واکنش برای به زیر کشیدن قدرت مالی مردان باشد اثری دیگری دارد.

راه‌حلهایی که به عنوان نقطه نظر اصلی مقاله طرح خواهند شد، تلاشی است در راستای حل تعارضات مالی در نهاد خانواده برای رسیدن به ثبات و آرامش بیشتر طرفین و داشتن خانواده‌ای آرام که به تربیت افراد سالم و ایمن منجر خواهد شد. این راهکارها صرفاً در راستای خلق گفتمان *نظام مالی انتخابی*<sup>۱</sup> برای خانواده است و جنبه توصیه‌ای دارد و نه دستوری؛ به عبارت دیگر این مقاله در تلاش است تا برخی از راهکارهایی که به نظر می‌رسد می‌تواند در عمل به ایجاد گفتمان مالی برابر در خانواده ایرانی کمک کند را پیشنهاد دهد. اینکه دیدگاه حاکمیتی متناسب با شرایط مخصوص هر خانواده چه تصمیمی اتخاذ نماید، امری نسبی بوده که توافق زن و شوهر در انتخاب راهکار پیشنهادی، اولویت اول را دارد.

بدین منظور برای برقراری توازن رابطه مالی خانواده در نظام ایران لازم است تا راهکارهایی جدید در کنار فهم نوین از شریعت ارائه گردد. راه‌حل‌های زیر، جایگزین‌هایی هستند که با در نظر گرفتن محدودیت‌های موجود در سیستم قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و حکومتی کشور و نیز با استفاده از به رسمیت شناختن نظام استقلال اموال که از سالیان سال در کشور جاری و ساری بوده است ارائه شده است. این راهکارها سه مرحله از یک زندگی خانوادگی را شامل می‌شود:

۱- مرحله تشکیل خانواده ۲- تداوم نهاد خانواده ۳- انحلال یا خاتمه نهاد خانواده.

#### ۴-۱- مرحله تشکیل و پیش تشکیل نهاد خانواده

اولین اقدام آن است که برای نظام مالی خانواده در ایران، یک «رژیم مالی» تعریف شود. در ایران پشتوانه قانونی و قواعد فقهی در خصوص حقوق و تکالیف مالی زوجین وجود دارد؛ اما این امور در قالب رژیم مالی تدوین نشدند. رژیم مالی یعنی سازوکاری که در آن حقوق و تکالیف مالی برای «دو طرف» روشن و واضح بیان شده باشد و ظرفیت ارائه رژیم جایگزین با توافق طرفین<sup>۱</sup> با انعطاف‌پذیری بالا را نیز داشته باشد. یکی از خلأهای اساسی در رابطه با امور مالی زوجین آن است که حقوق و مطالبات زنان در مقام ثبوتی کاملاً تشریح و شناسایی شده است؛ اما آیا در ازای هر کدام از آن‌ها برای حقوق و تکالیف مردان نیز معادل‌سازی شده است؟

برای مثال اگر در این نظام به مرد گفته می‌شود که مسئول تأمین مخارج مالی برای زن است، آیا آن مرد می‌داند که در ازای هزینه کردن از مال شخصی خود در رابطه‌ی زناشویی، چه چیزی را به دست می‌آورد یا از دست می‌دهد؟ آیا مرد می‌داند به طور مثال اگر «داده» یا «هزینه» برای او در رابطه زوجیت، قسمتی از دارایی‌ها و اموالش باشد، «ستانده» یا «فایده» آن، می‌تواند آرامش در رابطه، بالا رفتن صمیمیت در روابط زوجین، بالاتر رفتن اعتماد به نفس همسر و مسائلی از این قبیل باشد؟ آیا مرد به ضرورت و اهمیت آن واقف است و قانون‌گذار توانسته است به درستی آن را تبیین نماید؟ همه این نکات را می‌توان ذیل مفهوم ضرورت تعریف نظام مالی خانواده، یعنی حقوق مالی برای مرد در برابر حقوق مالی زن تعریف نمود.

از این رو، در رویکرد کلان حکمرانی تا زمانی که مرد و زن جایگاه، تکالیف، خواسته‌ها و حقوق مالی‌شان را نشناسند و به درستی متقاعد نشوند که با ورودشان به این نظام مالی چه چیزهایی را هزینه می‌کنند و در مقابل چه دستاوردهایی را خواهند داشت، نباید این انتظار باشد که ضرورت بحث ازدواج، تشکیل آن و فوایدش برای زنان و مردان جامعه به درستی تبیین گردد. ذیل چنین رویکردی، اگر خود مردم واضع قانون بین خودشان شوند، یا اگر فهم نادرستی از شریعت در بحث قاعده‌گذاری مالی رخ دهد نمی‌توان بر جامعه خرده‌ای گرفت؛ چرا که این خود حاکمیت و نظام حقوقی بوده که برای چنین ساحت مهمی، رژیم مالی شفاف‌تری را تبیین نکرده است.

یکی دیگر از مسائل مهمی که موجب ایجاد وقفه یا کند شدن فرایند ازدواج افراد می‌شود ترتب امور مالی سنگین بر زن و مرد پیش از ازدواج است که همین امر می‌تواند از آغاز، نظام مالی خانواده را دچار تزلزل نماید. بحث مهریه برای مردان و جهیزیه برای زنان از مصادیق این امر چالش‌برانگیز است. در نگاه فقهی و شرعی در خصوص مهریه که در قسمت اول مقاله به آن پرداخته شد، ذمه مرد تا پایان عمر با این حق مالی زن درگیر است. از سوی دیگر جهیزیه، بنا بر عرف و فرهنگ (بدون داشتن ریشه فقهی و شریعتمدار) به زن نسبت داده شده است. یک راه حل مناسب که ریشه دینی هم دارد آن است که تمام یا قسمتی از مهریه زنان در قالب جهیزیه و تأمین مایحتاج ضروری زندگی هر دو نفر در آغاز زندگی قرار داده شود. در تهیه جهیزیه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها نیز همین اتفاق افتاده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دارایی شخصی ایشان که تحت عنوان مهریه از داماد گرفته شده بود (درآمد ناشی از فروش زره حضرت علی علیه‌السلام) (حسینی فیروزآبادی، ۱۳۷۴: ۴۰۴). مبلغ جهیزیه را پرداخت کردند. این در حالی است که وقتی جهیزیه با مهریه زن تهیه شود، از حلال‌ترین مال‌ها بوده و علاوه بر آنکه هزینه جدیدی را بر عهده مرد نمی‌گذارد تمام یا بخشی از مهریه نیز در ابتدای زندگی نقداً به زن پرداخت شده و مرد نیز دینی را که بر گردن دارد در همان ابتدای زندگی پرداخت نموده و به معنای واقعی کلمه، «مهریه معنای صداق را پیدا می‌کند» (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۱۰۹).

ایجاد بسترهای قانونی برای این ایده چند فایده دارد: اول آنکه موجب می‌شود زن در مدت کوتاهی بتواند قانوناً و بدون آنکه از نگاه عرفی امری ناپسند شمرده شود، صاحب تمام یا بخشی از مهر خود شود که حاصل آن، ایجاد امنیت مالی و حسن ظن نسبت به شروع آن زندگی است. از سویی اعطای مهریه توسط مرد در این قالب ذمه او را نیز از پرداخت یک حق مالی نسبتاً مهم در جامعه امروزه ایران بری کرده و به او نیز امنیت مالی می‌دهد. مهم‌تر از همه اینکه با این روش، زن و مرد خودشان به تنهایی از ابتدای زندگی خود را می‌سازند و همین نگاه اشتراکی به ساخت زندگی‌شان مانع بروز بسیاری از اختلافات در آینده خواهد شد.

کم و کیف این امر و چگونگی اجرای آن توسط عرف خانواده‌ها و با قرارداد میان زوجین قابل انجام است. در این بین با جاری شدن گفتمان حقوق مالی در راستای اهداف اولیه تشکیل خانواده، حاکمیت می‌تواند به عنوان یک پیشنهاد سیاستی در راستای تسهیل دسترسی زنان به بخشی از مهریه خود و خرید ضروریات زندگی توسط زوجین با اعطای وام‌های مشترک به هر دو شخص و برابری ذمه هر دو فرد به طور مساوی در پرداخت دیون، از فشار مالی پیش از ازدواج بر خانواده‌ها و زوجین جلوگیری نماید.

## ۴-۲- تداوم و استمرار نهاد خانواده

حفظ و نگهداری خانواده از ایجاد آن دشوارتر است. لذا اقداماتی که موجب ایجاد امنیت مالی برای طرفین می‌شود در این مرحله از اهمیت دو چندان برخوردار خواهد بود. بحث کار کردن زنان در خانواده و انجام امور داخلی خانه بدون آنکه وظیفه شرعی یا قانونی زنان باشد، از جمله اموری است که در بسیاری از اوقات موجب ایجاد بحران در نظام خانواده است. در صورتی که اگر اجرت المثل کار زن در منزل با بستر و معنای جدیدی درک شود، بسیاری از مشکلات قابل حل خواهند بود؛ چرا که ممکن است ریشه وجود اشتغال کاذب و بیش از ضرورت و توان زنان، نیاز آن‌ها به داشتن استقلال مالی باشد که مبتنی بر اموال و دارایی‌های خودشان است.

حفظ جایگاه و شأن زن در زندگی و در نسبت با همسر و فرزندان، اقتضا می‌کند که مرد اجرت المثل حقوق و دستمزد کارهایی که زن از روی محبت و علاقه‌اش به همسر و فرزندانش انجام می‌دهد را به رسمیت شناخته و مانند حقوق ماهیانه در قالب نفقه یا اجرت المثل به زن پرداخت نماید و قانون‌گذار نیز به آن ضمانت اجرای قانونی بدهد.

به بیان روشن‌تر، اگر زن در ازای کارهایی که در خانه برای همسر و فرزندانش انجام می‌دهد ماهانه درآمد مالی مشخصی از سوی مرد دریافت کند و مرد هم در این اقدام با زن هم‌سو و همفکر باشد، نتیجه‌ی آن، دستیابی به حقوق مالی برای زن خواهد بود که هم شرع آن را به رسمیت می‌شناسد و هم قانون‌گذار برای آن به عنوان قانون مصوب کشور جایگاه حقوقی تعریف کرده است. این رویکرد در نهایت، نتایج زیر را به دنبال خواهد داشت:

۱- زن به درآمد مستقل حاصل از کار در بستری امن می‌رسد. این یعنی زن درآمد دارد. این درآمد برای خودش است و حق استیلای بر آن را دارد.

۲- در این نگاه کارهایی که در خانه توسط زنان انجام می‌گیرد دیده می‌شود؛ به آن‌ها ارزش بیشتری داده می‌شود و زن در خلال روزمرگی‌های ناشی از کار فراوان در جوامع امروزی احساس بی‌هودگی و اتلاف وقت نخواهد کرد. به عبارتی با این اقدام، به کار خانگی شأن، اعتبار و حس ارزشمندی داده می‌شود.

۳- ضرورت تعریف جایگاه‌های شغلی کاذب برای زنان به طور قابل توجهی کم خواهد شد. چرا که به جز عده‌ای از زنان که مجبور به کار کردن برای تأمین معاش خانواده هستند (مانند زنان سرپرست خانواده) زنانی که به دنبال مشاغل هستند که می‌خواهند حتماً در ازای آن دستمزد دریافت کنند، در بسیاری از موارد در حقیقت به دنبال دستیابی به منبع مالی مستقل برای خود هستند. این نیاز از آنجایی سرچشمه می‌گیرد که اولاً کارهای منزل نتوانسته آن

طور که باید زنان را از نظر روحی اغنا کند و نیاز اثرگذاری و ارزشمندی اجتماعی را درون آنان ارضا کند. دوم اینکه برای بازگشت توازن قدرت به رابطه زن و شوهر، اشتباهاً «استقلال مالی حاصل از کار کردن بیرون از خانه» را/بازر دستیابی به این امر تعریف کرده‌اند.

۴- با پرداخت اجرت در ازای انجام امور منزل توسط همسر، امکان افزایش کمیت و کیفیت فرزندآوری در خانواده‌ها به طور قابل توجهی تغییر خواهد کرد. چرا که بسیاری از مواقع، یکی از علل به تعویق انداختن فرزندآوری توسط زوجین، اهمیت و جایگاه بالای کار بیرون از خانه برای زنان در برابر فرزندآوری و مادری و صرف وقت آن‌ها به کار خارج از منزل بوده و همین امر موجب می‌شود تا زن وقت، توان و انرژی کافی برای قبول مسئولیت جدیدی را نداشته باشد.<sup>۱</sup> در این رویکرد، زنان می‌توانند به شکل هم‌زمان در محیط امن خانه نیز به انجام کارهایی که پیش از این در خانه عهده‌دار آن بودند، بپردازند و هم درآمد مستقل کسب کنند؛ با این برتری و تفاوت که فرزندان با حضور مادران در کنار خود می‌توانند رشد سالمی را تجربه کنند.

۵- با قانونی شمرده شدن دریافت اجرت در ازای انجام کارهای منزل توسط زن، درخواست دریافت وجه از سوی زنان، دیگر یک خواسته نابجا و غلط نخواهد بود و گفتمان مطالبه صحیح حقوق مالی زنان و مردان شکل خواهد گرفت. نحوه قانون‌گذاری مضاف بر عرف حاکم در ایران، این فضا را ایجاد کرده که اگر زنان خواستار حقوق شرعی خود از جمله نفقه و اجرت‌المثل باشند، به عنوان زن غیرهمراه و متوقع شناخته خواهند شد. دولت به عنوان نهاد حکمران می‌تواند با مداخله خود در این خصوص، عرصه را از حوزه حقوق خصوصی خارج کرده و به عرصه حقوق عمومی برده و خودش به عنوان شخص ثالث ضامن برقراری این حق برای زنان شود. در این شرایط نه مرد برای دادن حق ذاتی زن به او تعللی خواهد داشت و نه جنگیدن برای دستیابی به حقوق شرعی زنان بر دوششان خواهد بود.

۶- مردان با پرداخت هزینه مشخصی در ماه به عنوان دستمزد کار زنان، به طور غیرمستقیم از سایر هزینه‌های بار شده بر زندگی جلوگیری خواهند کرد. جدای از اثرات روحی و معنوی دیده شدن کار زنان توسط مرد خانه، بسیاری از هزینه‌هایی که زن شاغل به اقتضای محدود

۱. محاسباتی که مبتنی بر اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ به دست آمده نشان می‌دهد که افزایش میزان باروری در زنان با کاهش سهم آن‌ها در اشتغال ارتباط داشته است. در سال ۱۳۶۵ سهم اشتغال زنان ۸/۹ درصد بود که در سال ۱۳۷۰ به حدود ۵/۷ درصد فرزند رسیده و سهم زنان در اشتغال به ۹/۴ درصد. این بدان معناست که بین میزان مولید در کشور و میزان اشتغال زنان در ایران رابطه معکوس و منفی وجود داشته و هرچقدر میزان اشتغال بالاتر رفته، فرزندآوری کاهش پیدا کرده و اساساً اشتغال زنان یکی از عوامل کاهش نرخ فرزندآوری تلقی شده است. چرا که به ازای ۱ درصد افزایش نرخ باروری، اشتغال زنان ۰/۲۳ درصد کاهش یافته است. همین آمار، در سال ۱۳۷۵ به ۳/۱٪ فرزند و سهم زنان در اشتغال به ۱۲/۱٪ رسیده که در سال ۱۳۸۰ به ۲/۳٪ فرزند برای هر زن و سهم زنان در اشتغال به ۱۲/۱۶٪ را رسانده است. (نیکویی و پویا، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

بودن ساعت‌های حضورش در خانواده مجبور به پرداخت است حذف می‌شود؛ مانند هزینه استخدام پرستار بچه برای نگهداری از آن در ساعت‌های غیاب مادر، هزینه نیروی کمکی برای تمیز کردن خانه، هزینه خرید غذای آماده، هزینه‌های حمل و نقل به واسطه اشتغال در بیرون از خانه که بر زن مترتب می‌شود و...

۷- پرداخت نفقه و اجرت المثل به صورت ماهیانه و منظم در طول زندگی مشترک، برای زن حکم ذخیره و پس‌انداز را هم داشته و موجب می‌گردد تا رابطه ازدواج در کنار سایر آورده‌های معنوی، دستاورد مادی نیز برای زنان داشته باشد.

#### ۴-۳- انحلال یا خاتمه نهاد خانواده

بسیاری از شروط ضمن عقد که زن و شوهر ذیل عقد نکاح شرط می‌نمایند در فرایند زندگی بی‌استفاده باقی‌مانده و این شروط صرفاً راه‌های فراری برای زنان (و گاهی مردان) هستند که بتوانند در برابر خلل‌های قانونی، راحت‌تر به برخی از حقوق خود مبتنی بر شرع و قانون دست پیدا کنند. دریافت این‌گونه از حقوق هم عمدتاً در برابر بخشیدن حقوق ذاتی دیگر امکان‌پذیر می‌شود. یعنی زن و مرد بین خود قرارداد می‌کنند که مثلاً در ازای بخشیدن مهریه، مرد امکان دسترسی به برخی از حقوق مالی و غیرمالی زن را فراهم نماید (حال آنکه ممکن است بسیاری از این حقوق، ذاتاً متعلق به خود زن باشد اما در این نگاه گویی امری که ذاتاً متعلق به زن بوده، دوباره به وی بخشیده شده است). در این حالت دیگر مهریه نشان از صداقت مرد ندارد؛ بلکه صرفاً ابزار اعمال قدرت و معامله طرفین گشته است.

راه‌حل نزدیک کردن معنا و فلسفه مهریه به آنچه واقعاً موردپسند شرع است، شریک بودن طرفین در دارایی‌ها و اموالی است که در طول زندگی و در کنار یکدیگر به دست آورده‌اند. اینجاست که فهم نظام مالی خانواده به عنوان یک سیستم و رژیم درک می‌شود. اگر پازل هر یک از حقوق مالی زوجین در جای خود تنظیم شده باشد، مهریه دیگر ضامن مالی اقتصادی برای زمانی که ازدواج منحل می‌شود نخواهد بود. بلکه ملاک، تلاشی است که دو طرف برای ارتقای آن زندگی انجام دادند و قرار است حاصل آن با توجه به درصد مشارکت هر یک به عدالت تقسیم گردد.

بدین منظور اگر «شرط ضمن عقد تصنیف اموال بعد از جدایی» را اینگونه بازخوانی کنیم و تعریف جدیدی از آن ارائه دهیم که تقسیم اموالی که پس از ایجاد زندگی مشترک، به واسطه تلاش طرفین حاصل شده که قانون‌گذار نیز اعطای آن را به طرفین (نه تنها به نفع زن) ضمانت کرده است، آنگاه نتایج زیر را به بار خواهد آورد:

۱- از وقوع بسیاری از طلاق‌ها که علتشان صرفاً دریافت دارایی طرف مقابل است جلوگیری خواهد شد.

۲- بعد از انحلال نکاح زن یا مرد تا مدتی مشخص بدون پشتوانه اقتصادی نخواهند بود. در مورد انحلال ازدواج پس از فوت یکی از زوجین، نظام ارث اسلامی با همان قاعده اجرا خواهد شد؛ اما گویی تناسب بیشتری با عدالت توزیعی در جامعه کنونی خواهد داشت. به این معنا که هر یک از زوجین شامل زن و مرد، صاحب نصف اموال طرف متوفی هستند و در مورد نصف باقی‌مانده قاعده ارث طبق اصل اسلامی خود اجرا خواهد شد. لذا یک هشتم یا یک چهارم سهم الارث زن و یک چهارم یا یک دوم سهم الارث مرد در نصف از اموال در حالت عدم وجود فرزند یا وجود فرزندان عادلانه‌تر خواهد بود و موجب حمایت اقتصادی از همسر بازمانده می‌شود.

### نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با در نظر گرفتن ضرورت بحث نظام مالی حاکم بر زوجین در خانواده، در صدد بررسی این موضوع برآمده است که چگونه نظام حکمرانی با رویکرد خاص و سیاست‌گذاری خود در زمینه‌ی رابطه‌ی مالی زوجین می‌تواند نقش آفرینی نماید. در این زمینه، سیاست‌گذاری تقنینی نقش بسیار مهمی برای تنظیم توازن قدرت در خانواده و تحقق برابری حقوق مالی زن و مرد در خانواده ایرانی و به دنبال آن تقویت رابطه‌ی زوجیت خواهد داشت. از آن جایی که پذیرش و اجرای سیاست‌های نادرست مالی گاه تبعات جبران‌ناپذیری را برای خانواده و جامعه به ارمغان می‌آورد، شناخت دقیق رویکرد فقه و قانون در ایران نسبت به نظام مالی خانواده و نحوه‌ی مدیریت دارایی‌ها و اموال خانواده و زوجین بسیار حائز اهمیت است. در نظام کنونی مالی خانواده در ایران، نظام استقلال اموال زوجین و وجود مالکیت جداگانه هر یک از زن و شوهر با خوانش ویژه‌ای از این نظام که همراه با دادن مسئولیت یک جانبه تأمین مالی خانواده به مرد است به رسمیت شناخته می‌شود؛ اما صرف انتخاب این نوع از نظام مالی نتوانسته در مقام اجرا مانع بروز تضاد منافع و حل مناسب مسئله برای نیل به عدالت در خانواده باشد.

درحالی‌که هر یک از نظام‌های استقلال و اشتراک اموال برای جامعه ایران فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را فراهم خواهد آورد، اما مهمترین گام برای سیاست‌گذاری در زمینه‌ی خانواده و ترغیب افراد جامعه برای به ورود به نهاد زوجیت، تعریف تکالیف و حقوق زوجین در رویکردی همه جانبه و کلی تحت عنوان نظام مالی زوجین خواهد بود. بعد از مشخص شدن ابعاد نظام مالی فعلی زوجین در ایران، مزایا و معایب نظام کنونی مشخص شده و امکان تغییرات و پیشنهادات

توسط متخصصان فراهم خواهد شد. علاوه بر این، افراد جامعه نیز به حقوق و تکالیف و مزایا و آورده‌های نظام مالی حاکم بر رابطه‌ی زوجیت آگاه خواهند شد و قادر خواهند بود که با توجه به امکانات قانونی خود همچون شروط ضمن عقد و استفاده از آزادی اراده در عرصه‌ی قواعد تکمیلی دست به اصلاح یا تغییراتی بر نظام مالی حاکم بر خانواده‌ی خود بزنند.

سیاستگذاران خانواده در ایران در شرایط کنونی می‌تواند به سمت خوانشی جدید از نظام استقلال اموال پیش رود که در آن هم بتواند ایرادات نظام استقلال اموال را حل کند و هم نیازی به تغییر کل سیاست‌های حاکم بر حقوق خانواده و قانون‌گذاری نباشد. در عین حال این خوانش، می‌تواند در راه معرفی نظام اشتراک اموال به جامعه‌ی ایرانی با داشتن ویژگی‌هایی از آن نظام در مرحله‌ی گذار از نظام استقلالی کنونی موثر افتد.

بدین منظور در این مقاله سیستمی در مقام سیاست‌گذاری تشریح شد که در آن حقوق مالی زن ذیل حق‌های شرعی وی قابل دسترسی و مطالبه باشد. از طرفی پرداخت دیون مالی زن نه تنها موجب تحمیل تکالیف مالی بیشتر بر مرد نشود، بلکه باعث کاهش دیون موجود برای او و نزدیکتر شدن زوجین به هدف اولیه شکل‌گیری خانواده که فراهم نمودن بستر آرامش و تعالی طرفین بوده است، بشود. در راستای تحقق عملیاتی این نوع از نظام مالی برای خانواده، گروه‌های تخصصی حقوق، جامعه‌شناسی، حکمرانی، سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری با بررسی جزئی‌تر ابعاد گوناگون رژیم مالی پیشنهاد شده، می‌توانند گام‌های عملیاتی‌تری در زمینه تحقق عدالت مالی بیشتر در خانواده بردارند.



## منابع

- ◀ ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۵ ق). لسان العرب، جلد ۷. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
- ◀ اشتهااردی، علی پناه (ق ۱۴۱۷). مدارک العروه، جلد ۲. تهران: دار الاسوه للطباعة و النشر.
- ◀ امامی، اسدالله (۱۳۸۸). حقوق خانواده. تهران: انتشارات خرسندی.
- ◀ امامی، حسن (۱۳۶۶). حقوق مدنی، جلد ۱. تهران: کتاب فروشی اسلامیه.
- ◀ امامی، سیدحسن (۱۳۷۵). حقوق مدنی، چاپ هفدهم. تهران: انتشارات اسلامیه.
- ◀ امامی، سیدحسن (۱۳۸۴). حقوق مدنی، چاپ سوم. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- ◀ امین، سیده نصرت (۱۳۶۱). مخزن العرفان فی علوم القرآن، چاپ اول. تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
- ◀ بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ ق). جامع المسائل، جلد ۳. قم: دفتر معظم له.
- ◀ جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). مبسوط ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- ◀ حائری، محمدحسنف و رحیمی، رضا (۱۳۹۴). پژوهش فقهی در رابطه مالی زوجه و زوج و روش های تأمین مالی زوجه در خانواده. پژوهش نامه فقه اجتماعی، فقه و اصول، ش ۲، ۷۷-۵۳.
- ◀ حسینی فیروزآبادی، مرتضی (۱۳۷۴). فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت (مترجم: محمدباقر ساعدی خراسانی)، جلد ۲. قم: انتشارات فیروزآبادی.
- ◀ حلی، حسن بن یوسف (بی تا). تحریر الاحکام، جلد ۲. بی جا: موسسه آل البیت.
- ◀ خلخالی، موسوی (۱۴۲۷ ق). فقه الشیعه - کتاب الاجاره. تهران: مرکز فرهنگی انتشارات منیر.
- ◀ دینانی، عبدالرسول (۱۳۷۹). حقوق خانواده. تهران: انتشارات امید دانش.
- ◀ راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن. سوریه: دار العلم.
- ◀ روشن، محمد، و نعیمی، زکیه (۱۳۹۵). اصلاح نظام مالی بر روابط زوجین. خانواده پژوهی، ۵۲۹-۵۵۳.
- ◀ زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزی، جلد ۱. بیروت: دار الکتب العرب.
- ◀ زین الدینی، فاطمه، و رضوی، سیدمحمدحسن (۱۳۹۹). بررسی الزامات ورود نظام اشتراک اموال به ساختار نظام مالی خانواده در حقوق ایران با نگاه به حقوق استان کبک/کانادا. نشریه خانواده پژوهی، شماره ۶۱، ۷-۲۴.
- ◀ سالارزایی، امیرحمزه، و مسرور، علی اصغر (۱۳۹۰). استقلال و امتیاز مالی زن نسبت به شوهر در نظام حقوقی ایران. فقه و حقوق خانواده، ش ۵۴، ۹۹-۱۲۲.
- ◀ سبحانی، جعفر (۱۳۸۵). الحدیث النبوی بین الروایه و الدرایه. قم: موسسه الامام الصادق (ع).
- ◀ سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۳۸۳). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. بیروت: دار الاحیاء

التراث العربی.

- ◀ سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۳۸۳). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، جلد ۸. بیروت: دار الإحیاء التراث العربی.
- ◀ صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله (۱۳۷۴). حقوق خانواده، چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ◀ طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر همدانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ◀ طبرسی، امین‌الاسلام (۱۴۱۵ ق). مجمع‌البیان، چاپ اول. بیروت: مؤسسه‌الاعلمی.
- ◀ طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه، جلد ۴، چاپ سوم. تهران: المكتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- ◀ طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۳۹۰). الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، جلد ۳. تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.
- ◀ عاملی‌جبعی، زین‌الدین بن‌علی (۱۴۱۰ ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة (المحشی کلانتری)، جلد ۱۵. قم: کتابفروشی داوری.
- ◀ عاملی‌جبعی، زین‌الدین بن‌علی (۱۴۱۳ ق). مسالك الافهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، جلد ۸. قم: مؤسسه‌المعارف الاسلامیه.
- ◀ عدل، مصطفی (۱۳۸۵). حقوق مدنی، چاپ دوم. قزوین: انتشارات طه.
- ◀ علاسوند فریبا، و نیکوخصال، معصومه (۱۳۹۶). توسعه مستندات شرعی اجرت المثل کار خانگی زن. نشریه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ش ۷، ۲۶-۷.
- ◀ عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ◀ فیروزآبادی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۰). القاموس المحیط، جلد ۳. بیروت: دار الجلیل.
- ◀ کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). حقوق مدنی خانواده، چاپ پنجم. تهران: انتشارات بهمن برنا.
- ◀ کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). وقایع حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشارات.
- ◀ کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ ۳۶. تهران: انتشارات میزان.
- ◀ مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ ق). بحار الأنوار، جلد ۴۳. بیروت: مؤسسه طبع و النشر.
- ◀ مجلسی، محمدتقی (بلا تاریخ). بحار الانوار، جلد ۱۰۰. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ◀ محسن، طباطبایی حکیم (۱۴۱۶). مستمسک العروه الوثقی، جلد ۲. قم: مؤسسه دار التفسیر.
- ◀ محقق داماد، مریم‌السادات (۱۳۹۹). نقدی حقوقی بر ماهیت کنونی جهیزیه در ایران. فقه و حقوق خانواده، ش ۱۳، ۱۲۷-۱۰۵.
- ◀ محمدی، عباس (بی‌تا). رژیم مالی خانواده در ایران و فرانسه، شماره ۲۴. مجله کتاب زنان.
- ◀ مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). تفسیر نمونه، چاپ چهل و سوم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

◀ نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد ۲۶، چاپ هفتم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

◀ نیک‌پی، امیر، و پویا، رضوان (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تحول خانواده در ایران (بررسی ابعاد حقوقی لایحه حمایت از خانواده). جامعه‌شناسی تاریخی، ش ۱، ۱۷۰-۱۳۱.

► Kohnen, ., Patton Michae , Cincinnati Stegman (2012)- *Matrimonial Property Regimes in a ross-Border Context: Who Owns What (And When?)*. Libson: Portugal NYSBA Internationa.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتغال جامع علوم انسانی